

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۱۰/۲۹/۲۰۰۹

تقلب در يك نظام مستعمراتی

زمانیکه يك نظام مستعمراتی به اراده اجانب و پشتیبانی حامیان داخلی استعمار در يك کشور خلق میگردد، مشروعیت و هویت حقوقی همان رژیم از روز نخست مورد سؤال قرار میگیرد. تهداب همچو نظامی صرفاً بر مبنای دروغ، فریب و تقلب و تأمین منافع اشغالگران استوار میشود. قانون اساسی، قانون انتخابات، و هر گونه ارکان دولت هویت مستعمراتی به خود میگیرد و افراد و یا گروه های ضد ملی، قاتلان، جواسیس و تابعین استعمار در رأس امور قرار میگیرند. پس تقلب اضافی اهمیت حقوقی خود را از دست میدهد زیرا کل نظام در تقلب زاده شده است و شکایات درین خصوص بسیار مضحک به نظر میرسد.

بحران ناشی از انتخابات ریاست جمهوری مستعمراتی ماه اگست در افغانستان و سفر هیأت اروپائی و امریکائی به افغانستان و صدور هدایات به غلامان خود در کابل که دست را از پا خطا نکنند، نشاندهنده جعل کاری است که ثبت تاریخ جهان خواهد شد. سماجت و پافشاری بیمورد کرزی در عدم قبولی دور دوم انتخابات و گوشمالی وی از جانب آمران بیگانه يك صحنه تماشائی شبیه به میدان مرغ جنگی به وجود آورد که مرغ گریختگی بعد از چند نول خوردن صحنه را به مرغ فاتح رها میکند. عبدالله عبدالله سر مست از باده پیروزی و به این آرزو که نیرو های امپریالیستی او را به زودی با کرزی عوض میکنند، به بلند پروازی های جدیدی مبادرت میورزد. عبدالله حالا میگوید که مردم افغانستان "تغییر" میخواهند. این شعاری است که عبدالله از انتخابات امریکا به عاریت گرفته است. عبدالله همچنان اظهار داشت که اگر "يك سلسله پیشنهادات وی قبل نشود، در انتخابات شرکت نخواهد کرد." اگر این دو دلقک و اعجوبه های خیانت (کرزی و عبدالله) به نقش اساسی خود پی نبرند و یا از حدود تعیین شده پا را فراتر بگذارند، شاید به سرنوشت غم انگیزی مواجه گردند.

سؤال درین جاست که اصلاً وقوع تقلب از هر نوعی که باشد در يك نظام مستعمراتی مانند افغانستان چرا تعجب و مهمه خلق نماید؟ آیا نظامی که کرزی در راس آنست و عبدالله هم زمانی وزیر خارجه اش بود، قانونی است؟ آیا پارلمان افغانستان با دو تن شارلاتان و دین فروش در رهبری، میتواند يك شورا و یا سنای ملی باشد؟ آیا انتخابات

ریاست جمهوری در يك نظام مستعمراتی میتواند صلح و امنیت را برقرار سازد و عدالت اجتماعی را تأمین نماید؟ پس ما باید یکبار به بنیاد نظام مستعمراتی کابل توجه کنیم تا زحمت هموطنان ما در تحلیل و تجزیه حوادث کشور کمتر شود. آیا بهتر نبود که واشنگتن امر میکرد (بلی امر میکرد) که کرزی برای پنج سال دیگر منحیث رئیس جمهور دلخواه امریکا به کار خود ادامه دهد؟

این همه خیمه شب بازی ها برای چه؟ امریکا و سایر نیرو های اشغالی کی را میخوانند بفریبند، مردم جهان و یا مردم ما را؟ در هر دو صورت به جز سرشکستگی چیز دیگری نصیب شان نشده است .

آیا دور دوم به اصطلاح انتخابات آزاد میتواند وجهه مستعمراتی نظام پوشالی کابل را قانونی جلوه داده و مشروعیت حقوقی آنرا تثبیت کند؟ آیا هویت ضد ملی دو فرزند ناخلف افغان کرزی و عبدالله در دور دوم انتخابات عوض خواهد شد و این دو پارزیت تاریخ، ملی گرا جلوه خواهند کرد؟ صد ها سوال دیگر به ارتباط انتخابات ریاست جمهوری نظام مستعمراتی کابل در ذهن هم میهنان ما خطور میکند که به مشکل میتوان به آن سوالات جواب یافت. هر فرد و یا فردیکه مایل به دفاع ازین جریان سیاسی باشند، قدم رنجه فرموده به سوالات بالا پاسخ گویند .

دلچسب اینکه يك هیأت عالیرتبه امریکا عازم کابل شد تا کرزی را متقاعد به قبولی دور دوم انتخابات نماید. هلری کلنتن هم ۴۰ دقیقه با کرزی درین خصوص صحبت نمود. وزیر خارجه فرانسه از کرزی خواهش کرد که تن به دور دوم انتخابات دهد. صدراعظم برتانیه و سرمنشی ملل متحد و سکرتر جنرال ناتو تیلیفونی با کرزی داخل تماس شدند. همه این بازی ها صرف به منظور مشروعیت بخشیدن به نظام دست اجانب در کابل صورت گرفت. دلیل مقاومت کودکانه کرزی برای چند روز اول تنها و تنها برای این بود که مردم فکر نکنند که کرزی فاقد وجهه ملی بوده و دست نشانده امریکاست. (چه برداشت ناقص!). مداخله سایر رهبران اروپائی و سرمنشی ملل متحد هم اعطا و بخشش هوائی هویت “ملی” به کرزی بود. باز هم سؤال خلق میشود که آیا کرزی بی هویت و فاقد هر گونه عزت نفس واقعاً میتوانست و یا میتواند برضد واشنگتن قدهلم کند و یا حتی نه بگوید؟ برای هدایت و به راه آوردن کرزی و یا عبدالله نه تنها هولبروک بلکه حتی سکرتر چهارم سفارت امریکا در کابل کافی است. کرزی تا اکنون حد خود را می شناسد و کندن کله گرگ را هنوز فراموش نکرده است .

بعد از هشت سال اشغال و انسان کشی، امریکا و متحدین به ناکامی های شرم آوری مواجه شده اند. نه انتخابات تقلبی و نه کرنش کرزی و عبدالله میتواند این حالت را تغییر دهد. مردم افغان نظام فعلی رامانند رژیم خلقی - پرچمی دست نشانده اجنبی می پندارند. این نظام از جانب قوای اشغالی بر آنها تحمیل شده است که هدف آن خدمت به امپریالیسم است، نه به مردم افغان. روی همین دلیل است که اداره اوپاما احتمالاً جنگ را در افغانستان شدت خواهد بخشید .